

## راهکارهای دولت اسلامی برای جبران شکست توزیعی بازار و عملکرد اقتصاد ایران

دکتر علی محمد احمدی<sup>۱</sup>

رضا وفایی یگانه<sup>۲</sup>

حسن محمد غفاری<sup>۳</sup>

### چکیده

معمولاً در متون اقتصادی، شکست بازار را از دو دیدگاه کارآیی و توزیعی بررسی می‌کنند. داوری بر اساس ملاک کارآیی، بر اساس تحلیل هزینه - فایده صورت می‌پذیرد و در حالی که داوری بر اساس کارآیی روشن و دقیق است، ملاک عدالت توزیعی تعریف دقیقی ندارد و بستگی به این دارد که عدالت توزیعی به چه شکل تعریف شود و چنانچه قضاوت در مورد کارآمدی بازار بر اساس ملاک عدالت توزیعی صورت گیرد، وجود شکست توزیعی بازار تأیید می‌شود و ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که برای برقراری حدی از عدالت توزیعی - که از اهداف هر نظام اقتصادی - اجتماعی تلقی می‌شود - مداخله و نظارت دولت جهت جبران شکست توزیعی بازار (همچون سیاست‌های مربوط به توزیع مجدد درآمدها) اجتناب‌ناپذیر است.

از سوی دیگر، توجه به این نکته ضروری است که هرگونه مداخله عمومی در اقتصاد، چه برای جبران شکست توزیعی بازار، یا برای رفع ناکارایی‌های حاصل از سایر عناصر و عوامل شکست بازار صورت گیرد، خود نیز می‌تواند منشأ ناکامی‌هایی توسط عوامل خارج بازار قرار گیرد. نظام اقتصادی اسلام نیز با تعریفی خاص از عدالت، عدالت توزیعی را به عنوان یکی از اهداف نظام اقتصادی - اجتماعی خود معرفی می‌کند و توجه ویژه‌ای به توزیع عادلانه درآمدها مبذول می‌دارد. از این رو نظام اقتصادی اسلام زمینه مداخله و نظارت دولت جهت جبران شکست توزیعی بازار را فراهم کرده است.

با توجه به این رویکرد، در این مقاله، دیدگاه اقتصاد اسلامی به مقوله شکست توزیعی بازار و شیوه‌های مداخله و نظارت و محدوده دخالت دولت اسلامی برای جبران شکست توزیعی بازار با توجه به متون اقتصاد اسلامی موجود مورد مطالعه قرار گرفته و تجربه اقتصاد ایران در این زمینه در دوران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بررسی می‌گردد.

**کلید واژه‌ها:** دولت اسلامی، شکست توزیعی بازار، عدالت، توزیع درآمد، نظام بازار.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناس ارشد اقتصاد و پژوهشگر پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مفید

## ۱- مقدمه

برای ورود به مباحث مربوط به عدالت توزیعی و نابرابری‌های توزیع درآمد، لازم است مروری هر چند مختصر به پیشینه مباحث عدالت توزیعی در دوران کلاسیک قرن بیستم صورت گیرد. چرا که اساساً ریشه علمی بحث به سالهای نیمه اول قرن بیستم و وقوع بحران بزرگ برمی‌گردد. پس از وقوع بحران بزرگ در کشورهای صنعتی و ورود واژه شکست بازار و مباحث عدالت توزیعی در ادبیات توسعه، راه‌حل‌های مختلفی برای برون‌رفت از بحران و جبران آن، و حتی جلوگیری از شکست مجدد بازار صورت گرفت و تقریباً این بار همگی، به نقش بیشتر و مداخله دولت در اقتصاد اذعان کردند.

پیدایش اقتصاد رفاه، اقتصادهای سوسیالیستی و برنامه‌ریزی و ورود بسیاری از نظریه‌ها، همچون نظریه‌های رقابت ناقص، رقابت انحصاری، نظریه‌های مربوط به تمرکز، نظریه‌های مرسوم شکست بازار را می‌توان حاصل این جریان دانست. با این وجود بسیاری از این تلاش‌ها در سالهای بعد به شکست انجامید، یا اگر هم با موفقیتی همراه بود، این موفقیت صرفاً به درون مرزهایشان محدود می‌شد.

در این میان، نظام اقتصادی اسلام به عنوان نظامی که از ابتدا عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه به عنوان یکی از اهداف اصلی آن مطرح بوده نظری متفاوت از تفکرات اقتصادی رایج را مطرح می‌کند.

دین اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم‌ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌داند. بدین سبب برای از میان بردن مشکل اول، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می‌ورزد و برای رفع مشکل دوم، در جهت ایجاد انگیزه‌های کار و تلاش گام برمی‌دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است.<sup>۱</sup> توجه به کار و تلاش به عنوان اصلی‌ترین عنصر توزیع منافع حاصل از کار و کسب مالکیت در کنار برخورد عادلانه با افراد جامعه، ویژگی خاصی به شیوه نظام اقتصادی اسلام در برخورد با نابرابری در توزیع درآمدها و شکست توزیعی بازار بخشیده است که در این مقاله در صدد بررسی آن هستیم.

## ۲- ادبیات شکست بازار

بر اساس آموزه‌های اقتصاد نئوکلاسیک مبنی بر عدم دخالت دولت، کشورهای اروپایی به سمت اختراع‌های جدید، صنعتی‌شدن و تولیدات گسترده و فراوان پیش رفتند. تولیدات فراوان با فشارهای کاری شدید بر کارگران و به‌کارگیری زنان و کودکان با ۱۷ ساعت کار در روز حاصل شد. نتیجه این‌گونه عملکرد به دور از نظاره‌گری دولت‌ها، فزونی شدید عرضه تولیدات بر تقاضای آنها بود. کارگران برای تأمین حداقل‌های زندگی به کارهای فراوان و سخت تن می‌دادند؛ ولی درآمدهای اندک داشتند و تقاضای مؤثر برای کالاها و خدمات تولید شده کافی نبود. نظریه «عرضه تقاضای خود را به دنبال خواهد داشت»، نقش خود را از دست داده بود. رکود و بحرانهای اقتصادی کنار ظلم و بی‌عدالتی گسترده، هر روز بیشتر می‌شد. به دنبال این وضعیت، واژه

۱. سید محمدباقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، ج ۱، چاپ اول، صص ۴۲۶-۴۲۴.

«شکست بازار» در ادبیات اقتصادی راه یافت و برای جبران آن، دخالت دولت در اقتصاد توصیه و پیگیری شد و نقش بیشتری در اقتصاد برای دولت در نظر گرفتند و نظریه‌پردازی درباره موضوع به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شد.<sup>۱</sup>

تئوری‌های شکست بازار بر پایه این بینش به وجود آمدند که تکامل و بلوغ بازار در کنار موفقیت‌هایی که به دست می‌آورند، همراه با ناکارایی در اقتصاد خرد، ناپایداری‌های اقتصاد کلان و نابرابری‌های اجتماعی بوده است. نظریه‌های رقابت ناقص، رقابت انحصاری، نظریه‌های مربوط به تمرکز، نظریه‌های مرسوم شکست بازار (کالاهای عمومی، آثار خارجی و بازده فزاینده به مقیاس)، و نظریه‌های شکست بازار ناشی از هزینه‌های مبادلاتی (اقتصاد نهادگرا)، همگی در گروه تئوری‌های شکست بازار قرار می‌گیرند. تئوری‌های مربوط به شکست توزیعی بازار، گروه دیگری از تئوری‌های شکست بازار را تشکیل می‌دهند که در زمینه عدالت توزیعی مطرح شده‌اند.<sup>۲</sup>

معمولاً در متون اقتصادی شکست بازار را از دو دیدگاه مبتنی بر کارایی و دیدگاه مبتنی بر عدالت توزیعی بررسی می‌کنند. داوری بر اساس ملاک کارایی، بر اساس تحلیل هزینه - فایده صورت می‌پذیرد. در حالی که داوری بر اساس کارایی روشن و دقیق است؛ ملاک عدالت توزیعی تعریف دقیقی ندارد و بستگی به این دارد که عدالت توزیعی به چه شکل تعریف شود. طبق ملاحظات مربوط به کارایی، بازار وقتی کاراست که همان مجموع منافع را نتوان با هزینه کمتری به روش دیگر تولید کرد و کامیابی‌های نظام بازار فقط از دیدگاه کارایی و با وجود مکانیسم بازار محقق می‌شوند. چنانچه قضاوت در مورد کارآمدی بازار بر اساس ملاک عدالت توزیعی صورت گیرد، وجود شکست توزیعی بازار تأیید می‌شود و ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که برای برقراری حدی از عدالت توزیعی، که از اهداف هر نظام اقتصادی - اجتماعی تلقی می‌شود، مداخله و نظارت دولت جهت جبران شکست توزیعی بازار (همچون سیاست‌های مربوط به توزیع مجدد درآمدها) اجتناب‌ناپذیر است.

هرگاه در بازار مشکلاتی به وجود آید، بسیاری آن را به گردن دولت انداخته و مداخله دولت را طلب می‌کنند. به همین ترتیب، در کشورهای سوسیالیستی بسیاری گمان می‌کردند همه دشواری‌ها زاییده جلوگیری از مکانیسم بازار است و با آمدن بازار، همه چیز به سامان خواهد شد. اما در هر دو مورد معمولاً نتایج دلخواه به بار نیامده است. در نظام بازار با پافشاری بر اصل رقابت اقتصادی، مبادلات افقی بازار مرجح است، حتی اگر این امر به بی‌عدالتی منجر شود؛ زیرا در عوض، کارایی بالایی را به دست می‌دهد. اما واقعیت این است که نظام بازار با مبادلات گسترده افقی، بسیار فاصله دارد.

نظام برنامه‌ریزی نیز با تمرکزگرایی گسترده و دخالت‌های زیان بخش دولت در اقتصاد به عنوان عاملی اساسی در اختلال کارآمدی بازار عمل کرده است. نظام برنامه‌ریزی حتی در صورت عدم افزایش

۱. برای آشنایی بیشتر با این بحث ر.ک: نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)، سعید فراهانی، صص. ۳۷-۵۹.

۲. محسن رنایی، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴: ص ۱۲۵.

تصدی‌گری دولت در اقتصاد، با انتقال اطلاعات به سمت بالا و ایجاد حجم وسیع و متنوع و درهم‌بودگی این اطلاعات کار را آشفته می‌سازد و می‌تواند به بحرانهای بزرگ و اختلال‌های تورم و بیکاری و یا هر دو کشیده شود و از این طریق توزیع درآمد را دستخوش تغییر قرار دهد.<sup>۱</sup>

### ۳- عوامل تأثیرگذار بر نابرابری و شکست توزیعی بازار

شواهد تجربی و تجربه کشورهای مختلف جهان در خصوص نابرابری توزیع درآمد نشان می‌دهد که عوامل گوناگونی می‌توانند در ایجاد نابرابری توزیع درآمد مؤثر باشند که در این قسمت به اختصار مرور می‌شوند.

#### ساخت بازار

بر اساس نظریات اقتصاد خرد، مهمترین عامل تعیین‌کننده توزیع در نظام بازار، ارزش تولید نهایی عوامل تولید است. بر این اساس، عوامل تولید طبق عرضه و تقاضای آزاد، هزینه‌ای در بردارد و دستمزد یا حقوقی دریافت می‌کنند.<sup>۲</sup> ممکن است در بازار، قیمت سرمایه از قیمت نیروی کار بیشتر باشد و در نتیجه، درآمد صاحب سرمایه از درآمد کسی که صرفاً نیروی کار در اختیار دارد بیشتر شود. توزیع درآمد ممکن است به گونه‌ای باشد که قسمت اعظم درآمد به گروه خاصی از جامعه با جمعیت بسیار کم اختصاص یابد و درآمد متوسط این گروه بسیار بالا برود. بنابراین نظام بازار با توجه به قوانین مختلف حاکم بر آن (از جمله مالکیت خصوصی)، باعث ایجاد نابرابری توزیع درآمد می‌شود.

علاوه بر ساخت بازار رقابتی، درآمد و سود انحصاری، عامل مهم دیگری در ایجاد نابرابری درآمدی افراد در کشورهای مختلف بوده است. با وجودی که بنگاه انحصارگر نیز مانند بنگاه رقابتی در صدد حداکثر کردن سود است، اما تفاوت اساسی در آنجاست که بنگاه رقابتی، گیرنده قیمت است و برای او  $MR=P$  است، در حالی که بنگاه انحصاری قیمت را خود (بر اساس شرط  $MR=MC$ ) برقرار می‌کند. وجود قدرت بازاری برای یک انحصارگر سبب می‌شود تا حتی در صورت وجود سودآوری اقتصادی، قدرت انحصارگر برای اعمال محدودیت ورود برای دیگران بتواند تولید را از وضعیت بهینه آن خارج سازد. از این رو انحصار حتی با در نظر گرفتن مفهوم تخریب خلاق شومپتر، نوعی شکست در بازار محسوب می‌گردد که آسیب‌های خود را به همراه دارد.

نکته جالب توجه در مورد انحصار در بازار این است که انحصار علاوه بر اینکه خود به عنوان یک عامل برهم‌زننده کارایی در بازار از مصادیق شکست بازار محسوب می‌شود؛ خود زمینه ساز بروز شکستی

۱. فریبرز رئیس‌دانا، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی؛ بازار یا برنامه؟، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۴۷-۴۶.

۲. احمد جعفری‌صمیمی (۱۳۸۱)، اقتصاد بخش عمومی، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۳۷.

دیگر در بازار از دیدگاه عدالت توزیعی می‌گردد. به عبارت دیگر انحصار یکی از عوامل برهم‌زننده توزیع درآمد جامعه به شمار می‌رود.

عوامل دیگر نظیر نوع درآمدهای افراد<sup>۱</sup>، تبعیض‌های مختلف، شرایط توسعه اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی نیز می‌توانند توزیع درآمد جامعه را دستخوش تغییر قرار دهد. در کشورهای دارای اقتصاد غیربازاری و با اقتصاد برنامه‌ریزی متمرکز نیز شاهد نابرابری درآمدی هستیم؛ یعنی با آنکه اندازه‌گیری میزان نابرابری در کشورهایی مانند شوروی سابق و چین یا کره شمالی، کار بسیار دشواری است ولی محاسبات نشان داده‌اند که توزیع درآمد شوروی سابق به اندازه ایالات متحده، نابرابر بوده است.<sup>۲</sup>

### توزیع درآمد و تقاضا

پیشتر گفته شد که ورود واژه شکست بازار به ادبیات اقتصادی، پس از بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ در جوامع صنعتی صورت گرفت. اقتصاددانان علت وقوع بحران بزرگ را درآمدهای اندک توده‌های مردم و کارگران و در نتیجه کاهش تقاضای مؤثر می‌دانند که سبب افزایش موجودی انبار کارخانه‌ها و کاهش تولیدات آنها گردید و با تحت تأثیر قراردادن عرضه کالاها منجر به شکل‌گیری رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ شد. بهبود توزیع درآمدها، از یک سو، از دیدگاه خرد، می‌تواند کشش توابع تقاضای بازارها را افزایش داده و بنابراین قدرت بازاری بنگاه‌ها را در بازارهای متمایل به انحصار کاهش دهد؛ و از سوی دیگر، از دیدگاه کلان، با افزایش تقاضای کل، حجم بازارها را گسترده می‌سازد و بنابراین افق سودآوری و انگیزه ورود بنگاه‌ها را بهبود می‌بخشد.<sup>۳</sup>

مقدار قابل توجهی از نابرابری درآمد را می‌توان به عملکرد اقتصاد مبتنی بر بازار در خصوص تولید و توزیع دانست. بهبود توزیع درآمد جامعه و افزایش درآمد فقرا با توجه به اینکه فقرا به‌طور متوسط میل نهایی به مصرف بیشتری دارند، در مجموع سبب افزایش میل متوسط مصرف جامعه می‌گردد. این مطلب به این مفهوم است که با افزایش سطح درآمد جامعه سهم بیشتری از آن مصرف می‌گردد و در مجموع سطح تقاضا در جامعه افزایش می‌یابد.

نکته دیگر در مورد نقش توزیع درآمد بر تحرک بخش عرضه اقتصاد است. از دیدگاه رشد نیز مانع اصلی گسترش تولید در جهان سوم، فقدان انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری است. در واقع کمبود تقاضا و یا کوچکی حجم بازارها مانع مهمی برای سرمایه‌گذاری در این کشورهاست. به دیگر سخن، به علت حجم پایین تولیدات در این کشورها، قدرت خرید و سودآوری سرمایه‌گذاری پایین است و سرمایه‌گذاری انجام

۱. برای مثال می‌توان به درآمدهایی مانند بهره، سود سهام، منافع سرمایه‌ای، ارث و سفته‌بازی اشاره کرد که می‌توانند بر نابرابری‌های درآمد افراد تأثیر داشته باشند.

۲. احمد جعفری‌صمیمی، پیشین، ص ۱۳۷.

۳. محسن رنانی، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴، ص ۲۷۱.

نمی‌شود.<sup>۱</sup> در واقع این دیدگاه در مقابل دیدگاهی قرار دارد که نقش نابرابری درآمدی را در تشکیل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مثبت ارزیابی می‌کند. استدلال نیز چنین است که معمولاً پس‌اندازهای جامعه را صاحبان درآمدهای بالا به وجود می‌آورند، بنابراین نابرابری گسترده درآمد، بخشی از جامعه را صاحب درآمد بالا می‌سازد و فرصت پس‌انداز را پیش می‌آورد.<sup>۲</sup>

اما واقعیت وضع موجود بسیاری از کشورهای در حال توسعه این است که اگر یک فرایند انتقال مستقیم و چشمگیر درآمد (از اغنیا) به فقرا و بر مبنای دیدگاه‌های عدالت اجتماعی انجام نگیرد، چنانچه هرگونه حرکت به سوی دیدگاه‌های مبتنی بر کارایی بازار و حرکت به سوی رشد اقتصادی صورت پذیرد، ممکن است با خراب‌کردن وضع توزیع درآمد و ثروت، و فقیرترکردن مردمی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، مانع انجام فرایند تغییر ساختارها در جامعه شود و رشد آتی درآمدها در جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

توجه به این مباحث از این جهت قابل اهمیت است که آیا انتخاب هر کدام از دیدگاه‌های مبتنی بر کارایی و یا مبتنی بر عدالت توزیعی در بازار چه تأثیری بر ساخت بازار از منظر دیدگاه دیگر بر جای می‌گذارند. طبق مباحث پیشین مشخص گردید که توجه به توزیع عادلانه درآمدها در جامعه با توجه به تأثیری که در افزایش تقاضای مؤثر و تقویت بخش عرضه اقتصاد خواهد داشت به تقویت قدرت بازاری و افزایش کارایی در بازار منجر می‌شود. با این وجود توجه به این بعد از فرضیه کوزنتس نیز شایان توجه است که سرریز منابع اقتصادی و ایجاد اشتغال، نقش مؤثری در ایجاد درآمد برای گروه‌های مردم ایفا خواهد کرد. هر چند توجه صرف به تئوری رشد کوزنتس، همان‌گونه که تجربه برخی کشورها نشان می‌دهد، به نابرابری درآمدی دامن می‌زند؛ اما روشن است که افزایش سرمایه‌گذاری و تلاش در جهت رشد بخش مدرن، می‌تواند بخش سنتی را متحول سازد و با ایجاد تقاضا و جذب مازاد نیروی کار بخش سنتی، بخش سنتی را رونق بخشد و ضمن اینکه کارایی را در بازار افزایش می‌دهد، با ایجاد درآمد برای بخش سنتی، وضعیت توزیع درآمد را به نفع گروه‌های کم‌درآمد جامعه تغییر دهد.<sup>۳</sup>

در واقع، عدالت اجتماعی تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه همراه با بازتوزیع درآمد، بتوان به اقتصادی پر رونق و توانا تکیه کرد. در این رویکرد تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به مقوله کارایی و برقراری شرایط رقابت در بازار در جهت افزایش بهره‌وری و کارایی، دشوار به نظر می‌رسد.

مباحثی که از پیش روی گذشت ایجاد یک نظام اقتصادی جدید با برقراری نوعی پیوند میان کارایی و عدالت را می‌طلبد که بر اساس آن بتوان مزایای حاکمیت مطلق هر یک از این دیدگاه‌ها بهره‌جست؛ در حالی که لطمات حاکمیت هر یک از آن دیدگاه‌ها را به حداقل رساند.

۱. ژاک لوکایون و دیگران، بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد اخوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳.

۲. مثلاً برخی مطالعات نشان داده است که تمامی پس‌انداز ایالات متحده را تقریباً ۲۵ درصد جمعیت آن انجام می‌دهند.

۳. محمدحسین شریف‌زادگان، راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۴، ص ۲۱.

اکنون با داشتن این نتیجه، می‌توان به بررسی دیدگاه اقتصاد اسلامی در مورد شکست توزیعی بازار و شیوه‌های مداخله و نظارت و محدوده دخالت دولت اسلامی برای جبران شکست توزیعی بازار پرداخت.

#### ۴- توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی

اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم‌ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌داند. بدین سبب برای از میان بردن مشکل اول، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می‌ورزد و برای رفع مشکل دوم، در جهت ایجاد انگیزه‌های کار و تلاش گام برمی‌دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است.<sup>۱</sup>

روش اسلام در توزیع درآمد بر اصولی مبتنی است که بخشی از آن چنین است: الف) احترام به حق مالکیت خصوصی با آزادی اقتصادی در کادر محدود؛ ب) حق عموم مردم در منابع طبیعی پیش از تولید؛ ج) حق تهی‌دستان در اموال ثروتمندان.<sup>۲</sup>

توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام از طریق معیارهای متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی است و برخی اختیاری. معیارهای الزامی عبارتند از زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارتند از کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان، برحسب وظیفه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می‌کنند. از آن جمله می‌توان به صدقات و قرض‌الحسنه اشاره کرد. آنان وظیفه دارند ثروت خویش را در راه رفاه عام جامعه صرف کنند.<sup>۳</sup>

در اقتصاد متعارف، به هنگام بحث در توزیع درآمد، یکی از دو حالت درآمد مبتنی بر عوامل تولید و یا توزیع درآمد شخصی متصور است. در نوع اول، توزیع درآمد بین عوامل تولید یا به عبارت دیگر توزیع کارکردی، کار و طبیعت و سرمایه مورد بحث قرار می‌گیرد؛ درحالی که در توزیع درآمد شخصی بحث این است که سهم طبقات مختلف درآمدی از کل درآمد و تولید جامعه به چه شکل است. در هر دو نوع این توزیع، به مراحل قبل از توزیع توجهی نمی‌شود و صرفاً به توزیع بعد از تولید اکتفا می‌شود؛ در حالی که در اقتصاد اسلامی، مباحث مربوط به توزیع عموماً از نوع اول و برای توزیع قبل از تولید نیز سیستم خاصی در نظر گرفته شده است.

اقتصاددانان اسلامی در مباحث توزیع قبل از تولید عموماً کار و سرمایه را از بحث خود خارج می‌کنند و تنها به بحث از طبیعت می‌پردازند. محمدباقر صدر، از پایه‌گذاران اقتصاد اسلامی، در رابطه با کفایت بحث طبیعت، سرمایه را ثروت‌هایی می‌داند که از مراحل مختلف گذشته و واجد شرایطی هستند که دوباره در مسیر تولید ثروت‌های جدید قرار گیرند. بنابراین ابزار تولید ثروت طبیعی محسوب نشده، بلکه

۱. سید محمد باقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، ج ۱، چاپ اول، صص ۴۲۶-۴۲۴.

۲. همان، ص ۴۳۱.

۳. مهدی بن‌رضوی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، چاپ اول: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷، ص ۱۹۵.

مقداری ماده طبیعی است که در اثر کار بدین شکل درآمد است. اما «کار» عامل غیرمادی تولید است و موضوع مالکیت خصوصی یا عمومی واقع نمی‌شود.<sup>۱</sup>

از نظر اسلام، کار سبب می‌شود کارگر مالک حاصل کار خویش شود و مالکیت خصوصی که بر این اساس پی‌ریزی شده، نشان‌دهنده تمایل طبیعی انسان به تملک حاصل کار خویش است. به همین علت تملک بر اساس حاصل کار، حق طبیعی انسان بوده و از احساسات و عواطف غریزی وی سرچشمه می‌گیرد. شاید به همین علت پایه مالکیت کارگر از نظر اسلام کار می‌باشد و هر کارگری به‌وسیله کار از ثروت‌های طبیعی که حاصل می‌شود بهره‌مند می‌گردد و بر طبق قاعده «کار، علت مالکیت است» حاصل کار خویش را به تملک در می‌آورد. حال با روشن‌شدن نقش کار در این رابطه و در بحث توزیع درآمد شخصی، اقتصاد اسلامی به نقش احتیاج نیز توجه کافی مبذول داشته و بنابراین شکل عمومی توزیع درآمد در اسلام از نقش مشترک دو عامل کار و احتیاج پدید می‌آید.<sup>۲</sup>

برای توضیح این نقش، که احتیاج در آن سهم است، افراد جامعه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستند که دارای قدرت فکری و جسمی مناسبی هستند و می‌توانند زندگی بهتری نسبت به دیگران داشته باشند و از رفاه بیشتری بهره‌مند گردند. تا هنگامی که این افراد به قوانین و مقررات پایبندند و از محدوده دین فراتر نرفته‌اند، می‌توانند بیش از احتیاجات خویش داشته باشند. بنابراین، نیاز نمی‌تواند برای این دسته از مردم نقش مهمی داشته باشد. در این دسته از مردم، کار عامل تعیین‌کننده سهم آنان از توزیع درآمد است.

گروه دوم کسانی هستند که کار می‌کنند و محصول کارشان به سختی کفاف یک زندگی عادی و معمولی را می‌دهد. توزیع درآمد در این گروه به هر دو عامل کار و نیاز بستگی دارد. یعنی آنها فقط با کارکردن می‌توانند ضروریات اولیه زندگی را تهیه کنند و نیاز موجب می‌شود سهم بیشتری از درآمد به آنها عطا گردد. به‌گونه‌ای که بتوانند زندگی آسوده و راحتی داشته باشند.

گروه سوم، ضعفا، معلولین، ناقص‌العضوها و کسانی هستند که توانایی کار ندارند. توزیع درآمد در این گروه صرفاً براساس نیاز است؛ زیرا این گروه قادر به کار نیستند و حق دارند تا حدی که حیات و زندگی آنها تأمین شود از درآمد استفاده کنند. باید توجه داشت که برای این دو گروه اخیر، درآمد باید از طریق تعاون اجتماعی و دولت اسلامی تأمین گردد.<sup>۳</sup>

۱. صادق بختیاری، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران، معاونت امور اقتصادی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۲، صص. ۷۸-۷۷.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. سید محمدباقر صدر، پیشین، صص. ۴۳۲-۴۳۱.



اسلام علاوه بر کار و احتیاج، مالکیت را به عنوان وسیله ثانویه توزیع معرفی می‌کند. یعنی انسانها می‌توانند با ثروت ناشی از کار به تجارت و سایر معاملات اقدام نمایند و سود به دست آورند. البته این فعالیت‌ها باید در چارچوب ارزش‌های نظام اجتماعی باشد.<sup>۱</sup>

همان‌طور که گفته شد در اسلام درآمد هر فرد بستگی به مقدار کاری دارد که به جامعه عرضه می‌کند. چون همه انسانها در بهره‌مندی از نیروهای فکری و بدنی مساوی نیستند و سهم آنها در تولید نیز متفاوت است. براساس این معیار توزیعی، درآمدهای حاصله یکنواخت نخواهد بود. این عوامل تفاوت، در کسب درآمد به عنوان یک نظام انگیزه‌ای در تولید، می‌تواند مفید باشد. با این وجود در اسلام اختلاف درآمدها، نمی‌تواند زیاد گسترده باشد؛ زیرا هر فرد مسلمان ثروتمند، خود را پایبند به قوانین و مقررات اسلامی می‌داند و این قوانین، انباشتن ثروت را محدود می‌سازد و راه را برای توزیع عادلانه و برابر درآمدها باز می‌کند.<sup>۲</sup>

فرهنگ اسلام به‌گونه‌ای است که با رواج آن عملاً نابرابری‌های زیاد درآمدی از بین می‌رود. «عمر چپرا» معتقد است عدالت توزیعی اسلام بر اساس برنامه‌ای می‌باشد که پنج عنصر اساسی زیر را در بردارد: نخست، انجام اقداماتی برای آموزش و سپس کمک به بیکارانی که در پی یافتن کار متناسب با توان خود (شغلی مفید) هستند؛ دوم، ایجاد سیستم «پاداش‌دهی عادلانه به افراد شاغل»؛ سوم، انجام اقدامات اجباری در جهت بیمه علیه بیکاری و خطرات شغلی، پرداخت مستمری و سهولت و اعانه به بازماندگان توسط کسانی که استطاعت دارند؛ چهارم، کمک به کسانی که به علت ناتوانی، معلولیت ذهنی یا جسمی، یا کهولت نمی‌توانند معاش خود را تأمین کنند و یا با تلاش خود سطح زندگی آبرومندان‌های به دست آورند و پنجم، جمع‌آوری و توزیع زکات و اجرای دستورات اسلامی در زمینه تقسیم دارایی افراد متوفی به‌منظور سرعت‌بخشیدن به توزیع درآمد و زکات در جامعه اسلامی به‌گونه‌ای که به بیان قرآن «ثروت فقط میان توانگران شما دست به دست نگردد».<sup>۳</sup> روشن است انجام و تأمین مالی برخی از مراحل مذکور از طریق گرفتن مالیات‌های گوناگون از طبقات ثروتمند جامعه و توزیع آن در میان اقشار محروم و ناتوان جامعه میسر است. به دیگر سخن، نیل به اهداف توزیعی نظام اقتصادی اسلام، از طریق انجام سیاست‌های توزیع مجدد امکان‌پذیر است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که عدالت اجتماعی موردنظر، با فقر ارتباطی معکوس دارد و در صورت تحقق عدالت، فقر از میان خواهد رفت. حال پس از روشن‌شدن دیدگاه نظام اقتصاد اسلامی نسبت به توزیع درآمد، می‌توان به بررسی نقش دولت اسلامی در ارتباط با آن پرداخت.

۱. همان، ص ۴۳۹.

۲. مهدی بن‌راضوی، پیشین، ص ۱۹۴.

۳. محمدعمر چپرا، دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد، ترجمه محمدجواد مهدوی، چاپ اول: آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۴، ص ۲۱۴.

## ۵- افزایش کارایی بازار، نتیجه توزیع عادلانه

اگر برابری قیمت با هزینه نهایی ( $P=MC$ ) را، شرط کارایی بازار معرفی کنیم، می‌توان گفت الگوی تخصیص درآمدی فرد مسلمان به دلیل وجود مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یکی از موارد اصلی تخصیص درآمد و به عبارت دیگر، کمک‌های اغنیا به فقرا، شرط کارایی بازار را بهبود می‌بخشد. انتقال درآمد از اغنیا به فقرا و کمک به افزایش درآمد فقرا، سبب می‌گردد، با توجه به اینکه فقرا به‌طور متوسط میل نهایی به مصرف بیشتری دارند، در مجموع متوسط میل به مصرف در جامعه افزایش یابد. این مطلب به این مفهوم است که با افزایش سطح درآمد جامعه، سهم بیشتری از آن مصرف می‌گردد و در مجموع سطح تقاضا در جامعه افزایش می‌یابد. این مسأله سبب افقی‌تر شدن منحنی تقاضای بازار می‌گردد که این نیز به معنای افزایش کشش قیمتی تقاضاست؛ بنابراین می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که در بازار مبتنی بر رفتار تخصیص درآمدی فرد مسلمان، شرط کارایی بازار، بیشتر تحقق خواهد یافت.<sup>۱</sup>

نتیجه‌گیری مزبور در مورد کالاهای عادی بدون اشکال است. اما در مورد کالاهای لوکس، شاید چندان صحیح نباشد، با این وجود، از نگاه کلان، با توجه به اینکه میل نهایی به مصرف در فقرا بیشتر از اغنیاست، تقاضای کل - در مجموع - افزایش خواهد یافت. به این ترتیب بر اساس الگوی تخصیص درآمدی فرد مسلمان، حجم و کشش تقاضای بازار افزایش می‌یابد. بنابراین شرایط در بازار اسلامی، رقابتی‌تر گشته، شکل‌گیری شرایط انحصار، سخت‌تر خواهد شد.

## ۶- جایگاه دولت و شکست توزیعی بازار

درباره حضور دولت در اقتصاد، اختلاف نظر خاصی بین اندیشه‌وران اقتصادی دیده نمی‌شود. اما درباره چرایی حضور دولت در اقتصاد، اهداف، وظایف، و حدود اختیارات دولت در حوزه اقتصاد دیدگاه‌های بسیار متفاوتی وجود دارد.

بر پایه آموزه‌های اقتصاد نئوکلاسیک و توجه صرف به مقوله آزادی اقتصادی و افزایش کارایی در بازار، کشورهای اروپایی و آمریکا پیشرفت‌های زیادی را در زمینه‌های اختراعات، صنعتی شدن و تولیدات گسترده به دست آوردند. اما بروز بحرانهای اقتصادی، بازسازی‌های ویرانه‌های حاصل از وقوع دو جنگ جهانی و مقابله با دولت‌های کمونیستی و جنبش‌های کارگری، به تدریج وظایف جدید و مسئولیت‌های بیشتری برای دولت‌ها به وجود آوردند و بر میزان دخالت دولت‌های غربی در اقتصاد افزودند. پیدایش اقتصاد رفاه در بخشی از کشورهای اروپایی را می‌توان در ادامه گسترش نقش دولت‌ها در اقتصاد جستجو کرد.

۱. سید رضا حسینی، الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹، صص. ۲۲۶-

۲۲۸.

۲. از آنجا که کشش درآمدی اغنیا برای کالاهای لوکس بالا و همچنین سهم کالاهای لوکس در سبد مصرفی اغنیا بیشتر است، این احتمال وجود دارد که توزیع برابرتر درآمدها، تقاضا را در بازار کالاهای لوکس کاهش دهد.

با وجود بحرانهای اقتصادی و فقر و ظلم گسترده در دنیای اقتصادهای صنعتی، بسیاری از اقتصاددانان سوسیالیست، اصول لیبرالیسم را در تأمین رفاه عمومی بی‌اساس قلمداد کردند و در صدد بنیان نظام اقتصادی دیگر با اصول متفاوت از نظام سرمایه‌داری لیبرال برآمدند. اقتصاددانان سوسیالیست با برگزیدن دیدگاه مبتنی بر عدالت توزیعی، تدریجاً، هدایت اقتصاد به وسیله دولت و برنامه‌ریزی متمرکز را راه‌حل رفع مشکلات اقتصادی، کاهش ظلم و بی‌عدالتی دانستند و اعلام کردند که هر کس باید در حد توان، به کار و تولید پردازد، و به مقدار نیازش مصرف کند. بدین وسیله، تناسب بین میزان کار و سودبری از بین رفت. این امر بی‌انگیزه شدن کارگران در امر کار و تولید را در پی داشت و اقتصاد کشورهای سوسیالیستی با رکود و حتی نرخ منفی رشد مواجه شد. بنگاه دولتی و هزینه‌های آن، روز به روز گسترده شد؛ تولیدات کاهش یافت؛ فقر عمومی و ناکامی تصدی‌گری‌های همه جانبه دولت نیز بر همه آشکار گردید.

در این تحقیق، دخالت دولت‌ها را در اقتصاد به گونه لیبرالیستی یا سوسیالیستی، دخالت ناکام و مبانی دخالت آنها در اقتصاد را نیز مردود می‌دانیم؛ البته حضور دولت را در اقتصاد لازم می‌شمیریم؛ ولی کیفیت حضور، به گونه‌ای که نظام اقتصاد اسلامی به اهداف خود نایل شود، متفاوت از سایر نظام‌هاست. حضور دولت در اقتصاد اسلامی حضور مسئولانه است. دولت در اقتصاد اسلامی با کمک بخش خصوصی می‌کوشد به اهدافش برسد. در ادامه، این حضور تبیین و تحلیل می‌شود.

در جوامعی که در توزیع درآمد، تکیه عمده به نظام قیمت‌هاست، برای سامان‌دادن به نابرابری‌های درآمدی، سیاست‌هایی معرفی می‌شود که عمدتاً سه روش سیاستی مختلف را در برمی‌گیرد: (۱) سیاست‌هایی که توزیع مجدد منابع تولید، از جمله ثروت و سرمایه انسانی را هدف قرار می‌دهند؛ (۲) سیاست‌هایی با هدف‌گذاری توزیع مجدد درآمدها؛ (۳) دخالت مستقیم در بازار و دست‌کاری قیمت‌های نسبی. روشن است که انجام سیاست‌های مذکور نیاز به مداخله و حضور جدی دولت در اقتصاد دارد.

### تأمین اجتماعی

واژه تأمین اجتماعی در ادبیات اقتصاد توسعه، با واژه دولت رفاه پیوند می‌خورد. پس از ناکامی نظام سرمایه‌داری لیبرال در رفع فقر، دولت‌های رفاه در دل نظام سرمایه‌داری لیبرال شکل گرفتند و کوشیدند تا فقر مطلق را از بین ببرند و مردم را از حداقل امکانات اقتصادی بهره‌مند سازند و برای این کار از ابزارهایی از جمله بیمه تأمین اجتماعی استفاده کردند.<sup>۱</sup>

در نظام اقتصاد اسلامی نیز با توجه به مباحثی که در بحث توزیع عادلانه درآمدها بیان شد، مشخص گردید که راهکار تأمین اجتماعی، به عنوان یک راهکار در درون نظام اقتصادی اسلام از گذشته مطرح بوده است. زیرا نظام اقتصادی اسلام، حقوق اقتصادی همه انسانها را بر پایه معیار «کار و نیاز» به گونه‌ای در درون نظام دیده است که با تحقق نظام اقتصادی، همه مردم به حقوق خود برسند.

۱. محمدحسین ابراهیمی، تأمین اجتماعی در اسلام، قم، نشر تأمین، ۱۳۸۱، ص ۲۶.

پیشتر گفته شد که اغنیا در قبال افراد فقیر و درمانده، تکلیف دارند، اما دولت‌ها با تکلیف دو چندان مواجه هستند. تکلیف دو چندان دولت‌ها بدین معنا است که، باید با سیاست‌های تکلیفی و تشویقی مردم را به عمل به وظایفشان وادارد. افزون بر آن، دولت با منابعی که در اختیارش قرار دارد و در بحث توزیع مجدد بیان شد، باید برای رفع فقر اقدام کند. برای افراد فقیری که توان کار دارند، بستر کار و فعالیت مفید اقتصادی را فراهم سازد و برای کسانی که توان کارکردن را ندارند، از منابعی که در اختیار دارد برای آنان تا حدی که نیازهای متعارفشان برطرف گردد، هزینه کند.

### سیاست‌های مالی جانب هزینه‌های دولتی

طبق تعریف شهید صدر از توزیع عادلانه، مشخص گردید که معیار در توزیع صحیح، آن است که دو ویژگی کمک به رفع فقر و تحقق توازن اقتصادی را داشته باشد. سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی برای رفع فقر را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. سیاست‌های اقتصادی که هم فقر را کاهش می‌دهد و هم توازن اقتصادی را محقق می‌سازد. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به خمس اشاره کرد.

۲. برخی تدابیر اقتصادی در صدد کاهش نابرابری هستند و به رفع فقر توجه چندانی ندارند. تدابیر اقتصادی که بر مبنای «کار در حد توان و بهره‌مندی در حد نیاز» در نظام سوسیالیستی اتخاذ می‌شود، به شدت باعث کاهش انگیزه‌های تولید می‌شوند؛ در نتیجه تولید کل کاهش می‌یابد. اگرچه چنین تدابیری باعث توازن اقتصادی می‌شود، با اتخاذ چنان تدابیری وقتی کارایی کاهش یافته و تولید کل کاهش می‌یابد، سهم همه افراد از درآمد کم می‌شود و به دنبال آن فقر و تنگدستی گسترده می‌شود. چنین تدابیر اقتصادی هرگز مورد تأیید اسلام نیست.

۳. تدابیر اقتصادی که درآمد فقیران را افزایش می‌دهد؛ اما افزایش درآمد اغنیا از این تدابیر به مراتب بیشتر از افزایش درآمد فقیران است. سیاست‌های رشد که بدون توجه به معیارهای عدالت توزیعی در مراحل اولیه در نظام سرمایه‌داری لیبرال دنبال می‌شود، چنین نتیجه‌ای را در پی دارند.

۴. تدابیر اقتصادی که هم فقر و هم اختلاف درآمدی را تشدید می‌کند. این قبیل تدابیر، ظالمانه‌ترین تدابیر اقتصادی است. سیاست‌هایی که باعث افزایش تورم در جامعه می‌شود؛ چرا که تورم از یک سو باعث وخامت بیشتر درآمد فقیران می‌شود و از سوی دیگر درآمد اغنیا در وضعیت تورمی (در مجموع) بهبود خواهد یافت.

با توجه به موارد بیان‌شده، معلوم است که سیاست‌های جانب هزینه دولت باید دو ویژگی پیش‌گفته را به لحاظ اقتصادی در پی داشته باشد. با بررسی موارد هزینه مالیات‌های منصوص و انفاق‌ها و صدقه‌ها، مشخص است که این دو جنبه رعایت شده است؛ یعنی هم باعث فقرزدایی و هم سبب تحقق توازن اقتصادی می‌شوند.

## سیاست‌گذاری با خدمات دولتی

دولت می‌تواند با استفاده از منابع طبیعی که در اختیارش قرار دارد، به‌طور مستقیم در بحث «توازن اقتصادی و توزیع قبل از تولید»، وارد برخی فعالیت‌های اقتصادی شده، به تولید کالاها و خدمات اقدام کند. اموری همانند راه‌آهن، حمل‌ونقل عمومی و انرژی هسته‌ای از این موارد می‌باشد.<sup>۱</sup>

## وضع مقررات اقتصادی

دولت‌ها برای حصول به اهداف نظام اقتصادی، می‌توانند به وضع قوانین و مقررات در عرصه اقتصادی بپردازند. اگر مقررات مناسب با تدابیر و سیاست‌های اقتصادی وضع نشود، ممکن است سیاست‌های اقتصادی با ناکامی مواجه گردد؛ به‌عنوان مثال چنانچه دولت برای سیاست خاصی، همچون سیاست‌های توزیع مجدد، مالیات اخذ می‌کند، اگر فرار مالیاتی در نظام اخذ مالیات وجود داشته باشد، سیاست اقتصادی موفق نخواهد بود. به‌طور کلی برای آنکه نظام اقتصادی به اهداف خود نایل و سیاست‌های اقتصادی دولت محقق شود، متناسب با سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی، باید مقررات مناسب نیز وضع شود.

در بازار اسلامی به دلیل تدابیر خاص، مانند وفور پرداخت‌های انتقالی، صدقات و انفاقات و نیز اعطای قرض‌الحسنه و اوقاف و امور خیریه، نهی ربا و جایگزینی نظام مشارکت، تقسیم سود در بازار نیروی کار و سرمایه، تحریم اسراف، منع کنز، جلوگیری از راکد گذاشتن سرمایه و توجه به رونق بازار، اهتمام بر این است که مسلمانان بدون دخالت دولت به سمت رفع فقر و توزیع عادلانه درآمدها حرکت کنند. مهمتر از همه اینها وجود مسالهای است که بدان اشاره شد و آن نقشی است که نظام اقتصاد اسلامی برای افراد مسلمان در مقابل یکدیگر در نظر گرفته است، و در واقع با ایجاد نوعی وظیفه و مشارکت اجتماعی، افراد جامعه را بدون نیاز به دخالت دولت در کاهش فقر و ایجاد توازن اجتماعی برانگیخته است.<sup>۲</sup> و تا آنجایی که امکان دارد، سعی شده است با تدابیر اتخاذ شده توسط دین اسلام که پیشتر عنوان شد از ایجاد نابرابری توزیع درآمدها و یا به تعبیر دیگر شکست توزیعی بازار جلوگیری به عمل آید.

با توجه به اینکه نظام اقتصادی اسلام مهمترین عامل توزیع درآمدها را کار معرفی می‌کند و همان‌طور که پیشتر گذشت توجه ویژه‌ای نیز به حفظ کارایی در بازار مبذول می‌دارد، می‌توان گفت که دخالت دولت اسلامی جهت برقراری عدالت توزیعی در جامعه، بر خلاف آنچه که در نظام‌های سوسیالیستی مدنظر است، در واقع به نوعی، تکمیل‌کننده اقدامات بخش خصوصی و نظام بازار اسلامی می‌باشد و دخالت دولت در فرایند توزیع درآمدها، علاوه بر اینکه بر اساس دیدگاه این نظام در مورد عدالت انجام می‌گیرد،

۱. احمدعلی یوسفی، نظام اقتصاد علوی؛ مبانی، اهداف و اصول راهبردی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، صص. ۴۵۵-

۴۵۴.

۲. شهید صدر این مسأله را تحت عنوان ضمان اعاله مطرح می‌کند و آن را مسئولیتی معرفی می‌کند که مسلمانان در قبال یکدیگر بر عهده دارند. بر اساس اصل ضمان اعاله، مسلمانان وظیفه دارند در صورت لزوم، نیازهای اساسی و ضروری یکدیگر را برآورده سازند.

هم‌چنین به عنوان ابزاری در جهت افزایش قدرت بازاری و ایجاد رقابت و کارآیی و افزایش انگیزه کار و تلاش در جامعه به‌شمار می‌رود.

#### ۸- بررسی تغییرات توزیع درآمد در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی تلاش‌های زیادی در جهت ایجاد یک نظام اقتصادی مبتنی بر احکام اسلام صورت گرفت. امام خمینی یکی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی را گسترش عدالت در جامعه مطرح کردند.<sup>۱</sup> تلاش‌های زیادی برای تحقق این اصل در جامعه ایران مطرح شد و بحث‌های زیادی میان گروه‌ها و افراد مختلف در طول این سالها صورت گرفت. به خصوص با توجه به اینکه یکی از اهداف پیروزی انقلاب و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، استقرار عدالت اقتصادی در زمینه‌های مختلف بود؛ اما با این وجود نظام اقتصادی در ایران همواره از وجود یک استراتژی واحد در زمینه عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه رنج می‌برد.

با توجه به تلاش‌هایی که در دوره پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی جهت استقرار نظام اقتصادی مبتنی بر قواعد اقتصاد اسلامی صورت گرفته است، در این قسمت برآنیم تا فارغ از تحلیل محتوای نظریاتی که دوره‌های مختلف بر اقتصاد ایران سایه افکنده‌اند به تحلیل عملکرد دولت اسلامی در زمینه جبران شکست توزیعی بازار پردازیم. با توجه به این مطلب، سالهای پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به پنج دوره جداگانه تقسیم کرد. در این بخش وضعیت ایران از نظر توزیع درآمد در سالهای ۸۶-۱۳۵۸، در پنج دوره جداگانه مورد بررسی قرار گیرد:

دوره اول	۶۲-۱۳۵۸
دوره دوم	۶۷-۱۳۶۳
دوره سوم	۷۵-۱۳۶۸
دوره چهارم	۸۳-۱۳۷۶
دوره پنجم	۸۶-۱۳۸۴

در دوره اول، یعنی سالهای ۶۲-۱۳۵۸، نظر به اینکه استراتژی انتخاب شده در فرایند توسعه کشور، استراتژی متکی بر توزیع متعادل‌تر درآمد در مراحل اولیه و برخورد با مسأله تولید سرانه در مراحل بعدی بود، نیروهای مؤثر بر توزیع درآمد، در جهت تشدید تعادل در الگوی توزیع درآمد عمل کردند.<sup>۲</sup> بررسی شاخص‌های توزیع درآمد از جمله ضریب جینی نشان می‌دهد که وضعیت توزیع درآمد در این سالها بهتر شده است (جدول ۱).

در دوره دوم، یعنی سالهای ۶۷-۱۳۶۳، نظر به اینکه مشکلات جنگ تحمیلی، تورم، کاهش درآمدهای ارزی و رکود تولید شدت یافت، دولت و سیاست‌گذاران اجرایی عملاً به سیاست‌گذاری‌های

۱. خمینی، روح...، کتاب‌البیع، نشر اسماعیلیان، جلد ۲، صص. ۴۶۵-۴۶۴.

۲. صادق بختیاری، همان، صص ۱۴۷-۱۴۴.

موضوعی - موردی برای حل و فصل مسائل روزمره تمایل داشتند. به نظر می‌رسد که طی این دوران در عمل، استراتژی مشخصی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی - اجتماعی حاکم نبوده است. توزیع درآمد در این سالها به دلیل کاهش تولید سرانه و الگوی توزیع نامتعادل‌تر نسبت به سالهای قبل از این دوره، در جهت ایجاد عدم تعادل بیشتر حرکت کرده است.

در دوره سوم، یعنی سالهای ۷۵-۱۳۶۸، پس از پایان جنگ تحمیلی، تحت تأثیر فضای جدید خارجی و داخلی، ایران سیاست‌های تعدیل ساختاری را تجدید نمود و دامنه متنوع و گسترده‌ای از اصلاحات اقتصادی را طرح نمود. سیاست‌هایی مانند مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی، آزادسازی بازارهای مالی، تقلیل پرداخت‌های انتقالی و تلاش جهت کاهش حجم دولت، برخی از مهمترین آنها می‌باشد. از ویژگی این سیاست‌ها انتقال تأکیدات سیاستی از برابری به کارآیی و رشد اقتصادی بوده است. محاسبه شاخص اتکینسون برای سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ برای این سالها نشان می‌دهد که وضعیت توزیع درآمد در این سالها بدتر شده است.

در دوره چهارم، یعنی سالهای ۸۳-۱۳۷۶ و البته ماه‌های آغازین سال ۱۳۸۴، سیاست‌های تعدیل (البته نه با همان شدت گذشته) همچنان ادامه یافت؛ اما به نظر می‌رسد به بار نشستن نتایج برخی از سیاست‌های دوره‌های گذشته، ثبات اقتصادی (البته به‌طور نسبی) و افزایش بهای نفت در کاهش عدم تعادل توزیع درآمد در این دوره مؤثر بوده‌اند. به طوری که بررسی شاخص ضریب جینی نشان می‌دهد نابرابری توزیع درآمد در این سالها تا حدودی کاهش یافته است.

در دوره پنجم، یعنی سالهای پس از سال ۱۳۸۴، نمی‌توان روند فعالیت‌ها را به راحتی پیش‌بینی کرد. برنامه چهارم توسعه که از دوره قبل (دوره اصلاحات) برای دولت جدید بر جای مانده، به صورتی ناقص مورد تصویب دولت و مجلس جدید واقع گردیده است. اما روند اقتصادی با توجه به برنامه‌سازی‌های مقطعی دولت در دوره چهارم از اطمینان نسبی برای عملی‌شدن مفاد برنامه چهارم برخوردار نیست. رویکرد کلی دولت و یا شعار دولت عدالت‌گرایی است و در زمینه توزیع عادلانه درآمدها، اقداماتی نظیر توزیع سهام عدالت به اقشار کم‌درآمد در حال انجام است.

با توجه به کارکرد سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و قانون بودجه سال ۱۳۸۶، می‌توان نوعی جمع‌بندی از وضعیت تثبیت و توزیع اقتصاد کشور در دوره پنجم را ارائه نمود. سیاست‌های انبساطی دولت در امور پولی در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، که می‌توان آن را مرهون افزایش روزافزون درآمدهای نفتی در این دوره دانست، باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات (به‌ویژه در بخش مصرف‌کننده) گردیده است و تورم  $16\frac{1}{2}$  درصدی در پایان نیمه اول سال ۱۳۸۶ را به همراه داشته است<sup>۱</sup> و با ادامه روند افزایشی آن و افزایش حجم نقدینگی در ماه‌های پایانی سال، تورم ۱۸ درصدی را برای پایان سال می‌توان پیش‌بینی کرد. در نتیجه با توجه به وقوع

۱. این مسأله در حالی اتفاق افتاده است که حصول به تورم یک رقمی در قانون برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده است.

پدیده مالیات تورمی، قدرت خرید افرادی که حقوق ثابت دارند،<sup>۱</sup> کاهش می‌یابد و این امر باعث ناعادلانه‌تر شدن توزیع درآمدها در جامعه می‌گردد.

جدول شماره (۱) اطلاعات شاخص‌های توزیع درآمد و برخی شاخص‌های کلان اقتصاد ایران

نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد	حجم نقدینگی (میلیارد ریال)	درآمد قابل تصرف به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ (میلیارد ریال)	نرخ تورم	نرخ بیکاری	مخارج اجتماعی دولت به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ (میلیارد ریال)	ضریب جینی	سال
۳,۳۴	۰	۱۱۳۶,۰۲۳۲	۳,۵	۳,۹	۱۹۹,۵۷۶۸	۰,۴۴	۱۳۴۸
۳,۹۲	...	۱۱۵۲,۶۹۴۴	۱,۴۶۷	۳,۸	۲۰۲,۵۰۵۶	۰,۴۴	۱۳۴۹
۳,۳۱	...	۱۲۱۷,۵۹۳	۵,۶۳	۳,۷	۲۱۳,۹۰۷	۰,۴۷	۱۳۵۰
۳,۵۲	...	۱۲۹۳,۸۰۴۲	۶,۲۵۹	۳,۵	۲۲۷,۲۹۵۸	۰,۴۶	۱۳۵۱
۴,۶۷	...	۱۴۳۸,۴۸۶۴	۱۱,۱۸۲	۵,۲	۲۵۲,۷۱۳۶	۰,۴۸	۱۳۵۲
۴,۴	...	۱۶۶۱,۱۶۶	۱۵,۴۸	۸,۷	۲۹۱,۸۳۴	۰,۵۰	۱۳۵۳
۴,۹۶	...	۱۸۲۵,۴۹۶۴	۹,۸۹	۹,۴	۳۲۰,۷۰۳۶	۰,۵۰	۱۳۵۴
...	...	۲۱۲۷,۹۵۶۹	۱۶,۵۶۸	۱۰,۲	۳۷۳,۸۴۰۴	۰,۴۸	۱۳۵۵
۴,۸۷	...	۲۶۶۱,۴۳۸	۲۵,۰۶۹	۱۰,۶	۴۶۷,۵۶۲	۰,۴۶	۱۳۵۶
۰	۲۵۷۸,۶	۲۹۲۶,۹۸۶۴	۹,۹۷۷	۱۱	۵۱۴,۲۱۳۶	۰,۴۴	۱۳۵۷
۴,۸۳	۳۵۵۰	۳۲۶۱,۰۰۵۸	۱۱,۴۱۱	۱۱,۴	۵۷۲,۸۹۴۲	۰,۴۶	۱۳۵۸
...	۴۵۰۸	۴۰۲۸,۴۷۶۴	۲۳,۵۳۴	۱۱,۸	۷۰۷,۷۲۳۶	۰,۴۰	۱۳۵۹
...	۵۲۳۶,۱	۴۹۴۸,۳۶۹۴	۲۲,۸۳۴	۱۲	۸۶۹,۳۳۰۶	۰	۱۳۶۰
۳,۵۶	۶۴۳۰,۷	۵۹۵۴	۲۰,۳۲۲	۱۳,۳	۱۰۴۶	۰,۴۴	۱۳۶۱
۳,۷۲	۷۵۱۴,۴	۶۸۳۵	۱۴	۱۲,۷	۱۲۰۰,۸۰۸	۰,۴۵	۱۳۶۲

۱. طبق اطلاعات آمارگیری هزینه و درآمد خانوار توسط مرکز آمار ایران، نسبت سهم درآمد از حقوق‌بگیری از کل درآمدهای اکتسابی دهک اول به دهک آخر درآمدی برابر ۴/۵ می‌باشد. که نشان می‌دهد حقوق و دستمزد ثابت سهم بالایی را در درآمدهای گروه‌های پایین به خود اختصاص داده است.



۳,۷۴	۷۹۶۶,۹	۷۵۳۱,۸۱	۱۰,۱۹۱	۱۳,۱	۱۳۲۳,۱۹	۰,۴۰	۱۳۶۳
۳,۷	۹۰۰۲,۱	۸۰۶۱,۷۱۶	۷,۰۳۵	۱۳,۶	۱۴۱۶,۲۸۴	۰,۳۹	۱۳۶۴
۴	۱۰۷۲۲,۷	۹۹۷۸,۹۰۴	۲۳,۷۸۱	۱۴,۱	۱۷۵۳,۰۹۶	۰,۳۹	۱۳۶۵
۳,۵۶	۱۲۶۶۸,۱	۱۲۷۳۵,۶۰۶	۲۷,۶۲۵	۱۳	۲۲۳۷,۳۹۴	۰,۴۰	۱۳۶۶
۳,۴۴	۱۵۶۸۷,۶	۱۵۸۹۷,۴۲	۲۴,۸۲	۱۴,۴	۲۷۹۲,۸۲	۰,۴۰	۱۳۶۷
۳,۴۵	۱۸۷۵۳,۳	۱۹۲۳۱,۴۲	۲۰,۹۸	۱۴,۴	۳۳۷۸,۵۸	۰,۴۱	۱۳۶۸
۳,۳۱	۲۲۹۶۹,۵	۲۱۰۰۵,۷۱۲	۹,۲۲۶	۱۴	۳۶۹۰,۲۲۸	۰,۴۰	۱۳۶۹
۳,۴۸	۲۸۶۲۸,۴	۲۵۱۱۹,۹۲۶	۱۹,۵۸	۱۳,۴	۴۴۱۳,۰۷۴	۰,۴۰	۱۳۷۰
...	۳۵۸۶۶	۳۱۲۳۸,۲۵۶۴	۲۴,۳۵	۱۱,۴	۵۴۸۷,۹۴۳۶	۰,۳۹	۱۳۷۱
...	۴۸۱۳۵	۳۸۳۷۴,۷۲۰۸	۲۲,۸۴	۱۱,۵	۶۷۴۱,۶۷۹۲	۰,۴۰	۱۳۷۲
۳,۲	۶۱۸۴۳,۹	۵۱۸۸۳,۱۵۶	۳۵,۲۰۱	۱۰,۸	۹۱۱۴,۸۴۴	۰,۴۰	۱۳۷۳
۳,۲۱	۸۵۰۷۲,۲	۷۷۵۰۳,۱۵۶	۴۹,۳۸	۱۰,۷	۱۳۶۱۵,۷۸۲	۰,۴۱	۱۳۷۴

ادامه جدول شماره (۱) اطلاعات شاخص‌های توزیع درآمد و برخی شاخص‌های کلان اقتصاد ایران

نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد	حجم نقدینگی (میلیاردریال)	درآمد قابل تصرف به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ (میلیارد ریال)	نرخ تورم	نرخ بیکاری	مخارج اجتماعی دولت به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ (میلیارد ریال)	ضریب جینی	سال
۳,۱۶	۱۱۶۵۵۲,۶	۹۵۴۸۳,۲۹۸	۲۳,۲	۸,۸	۱۶۷۷۴,۷۰۲	۰,۳۹	۱۳۷۵
۲,۸۸	۱۳۴۲۸۶,۳	۱۱۲۰۰۸,۴۳۴	۱۷,۳۰۵	۱۳,۵	۱۹۶۷۷,۶۶۵۸	۰,۴۰	۱۳۷۶
۳,۸۵	۱۶۰۴۰۱,۵	۱۳۴۳۵۹,۷۵	۱۸,۱	۱۴,۸	۲۳۶۰۴,۳۴۹۸	۰,۴۰	۱۳۷۷
۴,۳	۱۹۲۶۸۹,۲	۱۷۸۸۵۵,۵۹۹	۲۰	۱۶,۳	۳۱۴۲۱,۳۹۰۲	۰,۴۰	۱۳۷۸
۴,۲۵	۲۴۹۱۱۰,۷	۱۹۹۲۳۸,۶۴۲	۱۲,۶	۱۶,۵	۳۵۰۰۲,۲۸۷۵	۰,۴۰	۱۳۷۹
۳,۸۴	۳۲۰۹۵۷,۳	۲۳۰۷۱۰,۸۴	۱۱,۴	۱۶,۶	۴۰۵۳۱,۰۳۵۶	۰,۴۰	۱۳۸۰
۴,۱	۴۱۷۵۲۴	۲۶۷۱۰۷,۲۳	۱۵,۸	۱۶,۲	۴۶۹۲۴,۱۱	۰,۴۲	۱۳۸۱
...	۵۲۶۵۹۶,۴	۳۱۰۴۴۶,۶۴	۱۶,۲	۱۵,۹	۵۴۵۳۸,۹	۰,۴۲	۱۳۸۲
۴,۰۳	۶۸۵۸۶۷,۲	۳۷۱۰۵۲,۵۵	۱۴	۱۲,۶	۶۳۳۱۹,۳۸	۰,۴۰	۱۳۸۳
۳,۵۹	۹۲۱۰۱۹,۴	۴۴۱۷۸۹,۸۲	۱۱,۸	۱۲,۲	۷۲۵۶۴,۴۲	۰,۴۰	۱۳۸۴
...	۱۲۸۴۱۹۹,۴	...	۱۳,۵	۱۱,۸	...	...	۱۳۸۵
...	۱۴۵۱۱۷۵,۹	...	۱۶,۲	۱۰,۶	...	...	۱۳۸۶ <sup>۱</sup>

مأخذ: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات سالهای مختلف

اقتصاد ایران اقتصادی است که از بیکاری و تورم ساختاری و از ناکارایی رنج می‌برد. منابع نفتی گرچه به توسعه زیرساخت‌ها کمک می‌کند، اما از سوی دیگر به عنوان عاملی مؤثر در رشد اندازه دولت و ایجاد ناکارایی در اقتصاد ایران عمل کرده است.

۱. اطلاعات سال ۱۳۸۶، بر اساس آخرین اطلاعات موجود در زمان نگارش مقاله از وضعیت شاخص‌های مذکور گردآوری شده است. نرخ بیکاری سال ۱۳۸۶، بر اساس گزارش شاخص‌های اشتغال بهار ۱۳۸۶ مرکز آمار ایران، نرخ تورم بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران برای مهر ماه ۱۳۸۶ و حجم نقدینگی بر اساس اطلاعات گزارش بانک مرکزی ایران تا پایان شهریور ماه ۱۳۸۶، استخراج شده‌اند.

مطالعات توزیع درآمد در ایران نشان می‌دهد که افزایش تورم و بیکاری از طریق کاهش سهم دهک‌های پایین تورمی، خصوصاً سهم دو دهک پایین درآمدی، منجر به عمیق‌تر شدن شکاف درآمدی می‌شود. زیرا در شرایط تورمی به دلیل پایین بودن دستمزد گروه‌های کم‌درآمد و نداشتن سایر منابع درآمدی غیر از دستمزد، بیشترین اثر منفی را باید این گروه تحمل کنند. همچنین به دلیل پایین بودن سطح سواد و میزان مهارت افراد سرپرست خانوار در دهک‌های پایین درآمدی، در شرایط تعمیق بیکاری در سطح کلان، این گروه جزء اولین کسانی هستند که کار خود را از دست می‌دهند.<sup>۱</sup>

یکی از علتهای بنیانی رشد قیمت‌ها در اقتصاد ایران، عدم توازن در ساختار بودجه دولت و کشش‌ناپذیری درآمدهای مالیاتی نسبت به رشد درآمد ملی است، در فرایند رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی متناسب با رشد درآمد ملی افزون نگردیده است. در مقابل، مخارج عمومی، به دلیل مشارکت دولت در برنامه‌های توسعه، سریعاً افزایش یافته و این امر، کسری بودجه را به دنبال داشته و تأمین کسری بودجه دولت، عمدتاً از طریق استقراض از بانک مرکزی و خلق پول پر قدرت بوده و در این روش، دولت ضمن ایجاد درآمد برای خود، موجب افزایش حجم پول، و در نهایت، تورم در جامعه شده و این تورم با کاهش ارزش پول، در واقع مالیاتی را به مردم و به خصوص به گروه‌های کم‌درآمد جامعه تحمیل کرده است، که آن را با نام مالیات تورمی می‌شناسیم. در ایران افزایش نقدینگی که عمدتاً به دلیل جبران کسری بودجه دولت صورت می‌پذیرد به عنوان اصلی‌ترین عامل تورم شناخته شده است. در طول سالهای ۸۴-۱۳۵۸ نقدینگی حدود ۲۶۰ برابر شده است و به عنوان یک عامل برهم‌زننده توزیع درآمدها، توزیع درآمد در جامعه را به سود گروه‌های پر درآمد تغییر داده است.

مطالعات توزیع درآمد در ایران نشان می‌دهد که افزایش تورم و بیکاری از طریق کاهش سهم دهک‌های پایین تورمی، خصوصاً سهم دو دهک پایین درآمدی، منجر به عمیق‌تر شدن شکاف درآمدی می‌شود. زیرا در شرایط تورمی به دلیل پایین بودن دستمزد گروه‌های کم‌درآمد و نداشتن سایر منابع درآمدی غیر از دستمزد، بیشترین اثر منفی را باید این گروه تحمل کنند. همچنین به دلیل پایین بودن سطح سواد و میزان مهارت افراد سرپرست خانوار در دهک‌های پایین درآمدی، در شرایط تعمیق بیکاری در سطح کلان، این گروه جزء اولین کسانی هستند که کار خود را از دست می‌دهند.<sup>۲</sup>

مخارج اجتماعی دولت اگرچه در طول این سالها با رشدی مشابه درآمد ملی افزایش یافته و بالغ بر ۱۲۶ برابر شده‌اند، اما فقدان سیاست‌گذاری مناسب این مخارج از میزان اثربخشی آن کاسته است. اما در عین حال به‌رغم ناعادلانه و ناکارآمد بودنشان، باز هم بیشتر از هر چیز برای دستگیری فروماندگان اقتصادی و اجتماعی به یاری آمده‌اند. در گزارش فقرزدایی کشور در سال ۱۳۷۵، ۹ علت اساسی برای گسترش فقر و ناعادالتی شمرده شده است.

۱. حسن زیبایی، ارزیابی سهم عوامل تعیین‌کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۱، ص ۴۴.  
۲. ر.ک: محمدرضا یوسفی، عدالت و رفاه اجتماعی، بررسی تغییرات رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی ایران (دوره ۱۳۷۸-۱۳۶۸)، مجله اندیشه، سال نهم، ش. سوم و چهارم، ۱۳۸۲، صص ۹۲-۷۰.

نکته جالب گزارش، این است که شش مورد از موارد مذکور، به سازوکار ضعیف بازار و ضعف در کارآیی بازار اشاره دارند. به نظر می‌رسد، ریشه بسیاری از نابرابری‌های اقتصاد ایران را، به‌رغم فقدان استراتژی واحد و مشخص در عملکرد توزیع منابع، ثروت‌ها و درآمدها، بیشتر در ساخت بازار، مشکلات ساختاری و نهادها باید جستجو کرد. به عبارت دیگر، بسیاری از پیامدهای مزبور در باب شکست توزیعی بازار در اقتصاد ایران، علی‌رغم تأکید مسئولان اقتصادی کشور در استفاده از قواعد اقتصاد اسلامی، همچنان بر جای خود باقی است. حتی گاهی دخالت‌های دولتی در جهت جبران شکست توزیعی بازار، خود اوضاع را بدتر کرده است. بنابراین می‌توان این‌گونه قلمداد کرد که قواعد و راهکارهای نظام اقتصادی اسلام در مواجهه با مقوله شکست توزیعی بازار و ناعدالتی در توزیع، به صورت منسجم، اصولی و نظام‌یافته‌ای مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

## ۹- بحث و نتیجه‌گیری

نظام اقتصادی اسلام، بیش از هر نظام دیگری امکان توضیح دلایل شکست بازار و ارائه راهکار برای خروج از آن را عرضه می‌کند. با توجه به اینکه نظام اقتصادی اسلام مهمترین عامل توزیع درآمدها را کار معرفی می‌کند و همان‌طور که پیشتر گذشت توجه ویژه‌ای نیز به حفظ کارآیی در بازار مبذول می‌دارد، می‌توان گفت که دخالت دولت اسلامی جهت برقراری عدالت توزیعی در جامعه، بر خلاف آنچه که در نظام‌های سوسیالیستی مدنظر است، در واقع به نوعی، تکمیل‌کننده اقدامات بخش خصوصی و نظام بازار اسلامی می‌باشد. دولت‌های اسلامی با تکلیفی دو چندان در جهت برقراری عدالت توزیعی مواجه هستند. تکلیف دو چندان دولت‌ها بدین معنا است که، از یک سو باید با سیاست‌های تکلیفی و تشویقی، مردم را به عمل به وظایفشان وادارد و از سوی دیگر با منابعی که در اختیارش قرار دارد و در بحث توزیع مجدد بیان شد، باید برای رفع فقر اقدام کند.

دخالت دولت در فرایند توزیع درآمدها، علاوه بر اینکه بر اساس دیدگاه این نظام در مورد عدالت انجام می‌گیرد، همچنین به عنوان ابزاری در جهت افزایش قدرت بازاری و ایجاد رقابت و کارآیی و افزایش انگیزه کار و تلاش در جامعه به شمار می‌رود.

در خصوص عملکرد اقتصاد ایران نیز باید گفت به علت فقدان استراتژی مشخص در باب عدالت توزیعی، پس از سالهای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان نظر قطعی در مورد عملکرد استقرار نظام توزیع اسلامی در جامعه ارائه کرد. هر چند که اقتصاد ایران از نرخ تورم و بیکاری بالا رنج می‌برد و شاخص‌های توزیع درآمد از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند، با این وجود ریشه بسیاری از نابرابری‌های اقتصاد ایران را، به‌رغم فقدان استراتژی واحد و مشخص در عملکرد توزیع منابع، ثروت‌ها و درآمدها، بیشتر در ساخت بازار، مشکلات ساختاری و نهادها باید جستجو کرد. علی‌رغم تأکید مسئولان اقتصادی کشور در استفاده از قواعد اقتصاد اسلامی، ناعدالتی در توزیع، همچنان بر جای خود باقی است. گاهی نیز دخالت‌های دولتی در جهت جبران شکست توزیعی بازار، خود اوضاع را بدتر کرده است. بنابراین می‌توان این‌گونه قلمداد کرد که قواعد و راهکارهای نظام اقتصادی اسلام در مواجهه با مقوله شکست توزیعی بازار و ناعدالتی در توزیع، به صورت منسجم، اصولی و نظام‌یافته مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

## فهرست منابع

- انصاری، محمدجعفر و دیگران (۱۳۷۸) درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی؛ تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۸۱) تأمین اجتماعی در اسلام؛ قم: نشر تأمین.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۲) تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک؛ تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۱) اقتصاد بخش عمومی؛ تهران: انتشارات سمت.
- چپرا، محمدعمر (۱۳۷۴) دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد؛ ترجمه محمد جواد مهدوی؛ چاپ اول: آستان قدس رضوی، مشهد.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۷۹) الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۴۲-۲۱.
- رئیس‌دانا، فریبرز؛ رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی؛ بازار یا برنامه؟؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۴.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶) بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارآیی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران؛ تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- زیبایی، حسن؛ ارزیابی سهم عوامل تعیین‌کننده نابرابری و توزیع درآمد در ایران؛ مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۱، ص ۴۴.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۰) اقتصاد ما؛ ترجمه محمدکاظم موسوی؛ ج. ۱، چاپ اول، صص ۴۲۶-۴۲۴.
- فراهانی، سعید (۱۳۸۱) سیاست‌های اقتصادی در اسلام؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فراهانی، سعید، (۱۳۸۱) نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)، صص ۳۷-۵۹.
- کرمی، محمدحسین (۱۳۷۹) اصول حاکم بر بازار اسلامی و مقایسه آن با بازار رقابت کامل؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- لوکایون، ژاک و دیگران (۱۳۷۳) بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی؛ ترجمه احمد اخوی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۷۶) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶) نظام اقتصاد علوی؛ مبانی، اهداف و اصول راهبردی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص. ۴۵۴-۴۵۵.
- یوسفی، محمد رضا (۱۳۸۲) عدالت و رفاه اجتماعی، بررسی تغییرات رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی ایران (دوره ۱۳۷۸ - ۱۳۶۸)؛ مجله اندیشه، سال نهم، شماره سوم و چهارم، صص ۹۲-۷۰.